

مقدمه چاپ ششم

امروزه انتظارات جوامع مختلف از آثار مثبت و سازنده برنامه‌های پیش از دبستان افزایش یافته است و از مربیان، برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران این دوره‌ها انتظارات و توقعات متفاوتی وجود دارد. انتظار می‌رود که آنان کودکان را برای موفقیت‌های تحصیلی در مدرسه آماده کنند، آنان را افرادی اجتماعی بار بیاورند و برای سازگاری با جوامع فرهنگی و متنوع خود مهیا سازند، به آنان یاد دهند تا بر محرومیت‌های محیطی فائق آیند و سرانجام اینکه استعداد‌های عاطفی خود را برای روبه‌رو شدن با موقعیت‌های مختلف و روش حل مسئله به کار گیرند تا انسان‌هایی خلاق پرورش دهند.

یادگیری و تحول کودک به صورت یک مجموعه و کل انجام می‌گیرد و همه ابعاد رشد با یکدیگر ارتباط دارند و به طور هم‌زمان رخ می‌دهند. بنابراین، هر یک از زمینه‌های تحول به صورت جداگانه رخ نمی‌دهد، بلکه هر کدام بر دیگری اثر می‌گذارد و نیز از دیگری تأثیر می‌پذیرد. به همین دلیل بر تنظیم و طراحی برنامه‌های درسی دوره پیش از دبستان اصول خاصی حاکم است که در این کتاب نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این چاپ به لحاظ اهمیت موضوع و دقت نظر بیشتر مربیان، دست‌اندرکاران و خوانندگان محترم، لازم است به صورت مختصر به این اصول اشاره شود.

● برنامه‌های دوره پیش از دبستان باید با توجه به ویژگی و نیازهای کودکان تنظیم شود و محدوده مشخص و معینی داشته باشد تا به سؤال‌های ذیل پاسخ دهد:

- چه مطالبی باید در کلاس آموزش داده شود؟

- مهم‌ترین و مؤثرترین راهبردهای تدریس کدام‌اند؟

- چگونه باید رفتار کودکان را هدایت کرد؟
 - ارتباط اثربخش و نحوه کار با والدین چگونه است؟
 - برنامه درسی این دوره باید بر اساس هدفهای مشخص طراحی شود.
 - برنامه درسی باید از پایداری و نظم همراه با انعطاف پذیری برخوردار باشد.
 - برنامه درسی باید بر کل کودک تمرکز داشته باشد تا همه سطوح رشد را در برنامه یکپارچه و هماهنگ سازد. به عبارت بهتر، یک برنامه خوب باید جامع و کامل باشد. به همین دلیل، در این کتاب به همه ابعاد وجودی کودک به صورت متناسب و از نظر جسمی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی و زیبایی شناختی توجه شده است.
 - برنامه درسی باید با سطح تواناییهای کودکان متناسب باشد.
 - برنامه درسی باید بازی را محور اساسی کار با کودکان قرار دهد و عملکردهای مختلفی را از این طریق برای آنان میسر سازد. در این کتاب نیز کلیه فعالیتهای در گروههای سنی مختلف از طریق بازی صورت گرفته است.
 - برنامه درسی باید به انتخابهای شخصی و استقلال کودکان ارزش دهد.
 - فعالیتهای مختلف در یک برنامه درسی باید تنوع داشته باشد و در عین حال از فعالیتهای ساده به دشوارتر حرکت کند.
 - سرانجام برنامه درسی باید با روند توسعه و پیشرفت دانش و مهارتها متناسب باشد.
- در کتاب حاضر در شکل دهی به اصول مذکور بسیار کوشش شده است و اینجانب به عنوان مترجم آن به درجه اهمیت و کیفیت آموزش کودکان از طریق بازخوردهای آگاه مربیان در تحقق اهداف این دوره از آموزشها در طول مدت استفاده آنان از محتوای کتاب پی برده‌ام.
- باید گفت نقش مربی در حیات تربیتی کودکان از مهم‌ترین عناصر یک برنامه مناسب و مطلوب است و کیفیت آموزش کودکان به وجود معلمان و مربیان کارآمد، مؤثر و آگاه بستگی تام دارد. در این زمینه چنانچه عملکرد مربیان بر پایه

برنامه‌ریزی صحیح و هدفمند و شناخت نیازهای واقعی کودکان و توجه به عناصر اساسی برنامه آنان استوار باشد، تجربه‌های خوب و ارزنده‌ای در رشد و تحول کودکان پدید می‌آید.

در حقیقت آغاز ترجمه این کتاب که برای اولین بار در سال ۱۳۷۴ به همت سازمان «سمت» صورت گرفت اهداف فوق را مدنظر داشت که در مدت کوتاهی مورد توجه و استقبال مربیان سراسر کشور، دانشجویان رشته پیش از دبستان، مدیران مراکز پیش از دبستان، برنامه‌ریزان، والدین و علاقه‌مندان به کودک قرار گرفت. این کتاب تاکنون پنج بار چاپ شده که نشان از سودمندی و بازخوردهای امیدوارکننده استفاده‌کنندگان و توجه علاقه‌مندان دارد.

در پایان ضمن تشکر باز هم امیدوارم از نظریات و پیشنهادهای استفاده‌کنندگان بهره‌مند شوم و محتوای این کتاب بر آگاهی علمی و اصولی درباره کودکان بیفزاید.

فرخنده مفیدی

خرداد ماه ۱۳۸۳

مقدمه مترجم

امروزه، اهمیت و ضرورت آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان بیش از گذشته مورد نظر است. افزایش روزافزون متقاضیان آموزشهای این دوره، نیاز والدین شاغل و نیاز جامعه، ضرورت تهیه برنامه‌های کیفی و غنی را در این دوره نشان می‌دهد. تحقیقات انجام شده در سالهای اخیر، نشان‌دهنده تأثیر برنامه‌های غنی و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی مطلوب، برای گروههای سنی مختلف کودکان این دوره است. مهم‌تر اینکه، نتایج تحقیقات، مؤید سرمایه‌گذاری بیشتر برای آموزش بهتر و برنامه‌های کیفی به علت کسب موفقیت‌های بیشتر کودکان در سالهای تحصیلی بعد از گذراندن دوره پیش از دبستان است.

واژه برنامه و برنامه‌ریزی از دیدگاههای مختلف ابهام دارد و توافق زیادی بر سر تعریف و معنی آن وجود ندارد. اگر اغراق نباشد متجاوز از ۱۲۰ تعریف از این واژه به عمل آمده است که بر ابهام برنامه و برنامه‌ریزی دامن می‌زند. برنامه و محتوای آن در دوره پیش از دبستان ابهام بیشتری دارد.

پرسشهای بسیاری درباره آموزش و یادگیری کودکان در خلال برنامه‌های دوره پیش از دبستان مطرح است. از جمله:

- کودکان در دوره پیش از دبستان چه چیزهایی را یاد می‌گیرند؟
- آیا در این دوره برای گروههای سنی مختلف کودکان برنامه‌های متفاوت و منظمی وجود دارد؟
- چگونه با کودکان دوره پیش از دبستان باید ارتباط برقرار کرد؟
- روش کار با کودکان در این دوره چیست؟
- کودکان علاوه بر بازی در این دوره چه می‌کنند؟

- آیا بازیهای کودکان نیاز به برنامه‌ریزی دارد؟

- کودکان در طول روز چه کارهایی انجام می‌دهند؟

- آیا فعالیتهای روزانه کودکان نظم خاصی دارد؟

به طور طبیعی، این گونه پرسشها که نشانه ابهام و نیز کنجکاوی در زمینه برنامه و آموزشهای این دوره است، برنامه‌ریزان را نیز در برنامه‌ریزیهای کوتاه‌مدت و بلندمدت با دشواریهایی مواجه کرده است. از آنجا که عدم شناخت آموزش و پرورش این دوره، بیش از دوره‌های دیگر است ابهام در مورد برنامه و محتوای آموزشی آن نیز بیشتر است.

به همین دلیل در کتاب برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان با توجه به سرمایه‌گذاری خوبی که بر اهداف و چگونگی تحقق نیازهای همه‌جانبه کودکان و طرح هدفهای رفتاری و چگونگی اجرای آنها به طریق مطلوب برای کودکان در دوره‌های سنی مختلف اعم از دوره‌های طفولیت، نوپایی، مهدکودک و کودکستان شده است، در روشن کردن این موارد مبهم و پاسخگویی به تردیها و پرسشهای فوق کوشش شده است.

به هر حال، در دنیای کنونی که حسابرسی و مسئولیت‌پذیری، هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی مورد تأکید قرار گرفته است، دست‌اندرکاران آموزش و پرورش پیش از دبستان برآنند که در تهیه برنامه‌ها و محتوای درسها «میزان و چگونگی اکتساب کودک از فرایند آموزش در کلاس و دوره‌های آموزشی» مورد توجه قرار گیرد. در این صورت، نیاز به استاندارد در برنامه‌ها بیش از پیش احساس می‌شود به گونه‌ای که پویایی و خلاقیت را نیز برای کودک و مربیان به ارمغان آورد.

این کتاب، که بر پایه و چهارچوب نظری و عقاید پیشگامان و نیز تجربه‌های آموزشی و عملی کارشناسان و مربیان در کار با کودکان پیش‌دستانی بنا نهاده شده است؛ با استاندارد کردن در برنامه و محتوای کار با کودکان نگاه عمیقی به اهداف، روش، محتوا و چگونگی اجرای فعالیتهای در دوره پیش از دبستان دارد. در واقع مقصود اصلی این کتاب، پایه‌گذاری برنامه و محتوای درسی دوره پیش از دبستان

بر اساس یک چهارچوب منطقی است.

اینجانب نیز، همیشه کمبود این مهم و نقایص کار برنامه‌ریزی و برنامه‌های کار با کودکان در مهدکودکها و کودکانها را مشاهده کرده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که کودکان در دوره پیش از دبستان نیاز به برنامه‌ای با محتوای غنی دارند؛ زیرا هر گونه قضاوت و داوری در مورد اهمیت و ضرورت این دوره از آموزشها به کیفیت برنامه‌ریزی و تدارک برنامه و محتوای آن بستگی دارد. چنین برنامه و محتوایی است که می‌تواند به مربیان، والدین، دانشجویان و علاقه‌مندان کار با کودکان در دوره پیش از دبستان کمک کند تا برنامه درسی خود را به روش منطقی و پیوسته‌ای بنا نهند و از کار با کودکان این دوره تجزیه و تحلیل درستی داشته باشند.

از مهم‌ترین دلایل ترجمه این کتاب این است که:

- محتوای کتاب به آزمایش درآمده، مورد تأکید بیست نفر از کارشناسان و متخصصان این رشته قرار گرفته، با گروههای سنی مختلف در این دوره به اجرا درآمده است و پس از بررسی نقاط ضعف و قوت به چاپ رسیده است.

- محتوای کتاب تا حدودی پاسخگوی موارد مبهم درباره برنامه و محتوای آموزشی و کار با کودکان در دوره پیش از دبستان است.

- راهنمای عملی والدین، مربیان، دانشجویان و علاقه‌مندان کار با کودکان است.

- روش درگیر و فعال کردن کودکان در یادگیری و خودکاری آنان را نشان می‌دهد.

- این کتاب امکانات فراوانی را برای طرح‌ریزی برنامه درسی کودکان پیشنهاد می‌کند و به معلمان امکان انتخاب صحیح را می‌دهد. در کل هر دو نیاز معلم و کودک را پاسخگوست.

- از اهداف مورد انتظار برای کودکان و دادن ذهنیتی فعال به مربیان و علاقه‌مندان کار با کودکان، حمایت می‌کند. در واقع از ویژگیهای این کتاب توجه به انعطاف‌پذیری در برنامه‌های کودکان این دوره و دادن قدرت مانور به مربیان و معلمان است.

- ارزشیابی یادگیریها، میزان تواناییها و قابلیت‌های کودکان را برای مربی آسان‌تر می‌سازد.

- کتاب از تصاویر و جدول‌های راهنما بهره می‌گیرد که به ساده بودن و روانی مطالب برای خوانندگان کمک می‌کند.

- کتاب به مربیان و معلمان پیشنهادهای سودمندی را برای تهیه وسایل و مواد و فعالیتهای مختلف ارائه می‌دهد؛ در همه فصول از استانداردهای منطقی پیروی می‌کند و دستورالعملهای کاربردی و ساده‌ای را عرضه می‌کند.

- اولین کتابی است که با توجه به منابع موجود کنونی در جامعه ما، بر پایه هدفهای رفتاری، محتوا را مشخص کرده است و به طریق ساده چگونگی کار با کودکان هر گروه سنی در دوره پیش از دبستان را مشخص می‌سازد.

- از همه مهم‌تر اینکه، کتابی کاربردی برای مربیان، والدین و دانشجویان رشته علوم تربیتی و گرایشهای پیش‌دبستانی و دبستانی و نیز برنامه‌ریزان این دوره از آموزشهاست.

در حفظ امانت مطالب اصلی سعی بسیار داشته‌ام و تنها در بعضی موارد به ضرورت فرهنگی و ارتباط بیشتر با خوانندگان، از مثالها، اشعار و واژه‌های کودکانه در زبان فارسی نیز بهره گرفته‌ام.

در پایان از همه استادان، صاحب‌نظران، کارشناسان، برنامه‌ریزان، دانشجویان و مربیان مراکز پیش از دبستان به دلیل کاستیهای احتمالی پوزش می‌خواهم و امیدوارم ترجمه این کتاب زمینه مناسبی را برای برنامه‌ریزیهای بهتر برای کودکان این سنین فراهم آورد و مورد استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد. تقاضا دارم صاحب‌نظران نظرها و پیشنهادهای اصلاحی خود را با نگارنده در میان گذارند تا ضمن بهره‌گیری از تجربه‌های عزیزان، در چاپهای بعدی کتاب منظور گردد.

فرخنده مفیدی

تابستان ۱۳۷۴

پیشگفتار

آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، به عنوان درون‌دادی حساس هم از نظر رشد کلی یک فرد و هم از نظر تأثیر در پذیرش و نگهداری کودکان در سطوح ابتدایی، در سیاست ملی آموزش و پرورش سال ۱۹۸۶ مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. محققان نیز نشان داده‌اند که آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، چنانچه از نظر رویکردی^۱، کودک-محور باشد و متوجه نیازهای همه‌جانبه او گردد، تأثیر بیشتری خواهد داشت.

امروزه، سنجش وضعیت آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان در این کشور، نشان می‌دهد که با اینکه تسهیلات به تدریج گسترش می‌یابند، ولی برنامه‌های درسی این دوره عموماً نه کودک-محور هستند و نه لزوماً به رشد کلی کودک می‌انجامند. آموزش و پرورش پیش از دبستان، از نظر اصولی یک فرایند است و دارای نظام رشد-محور می‌باشد و به همین دلیل، باید از طریق بازی و فعالیت انجام گیرد. وضعیت کنونی این نوع آموزشها نشانه این است که البته نه در همه موارد ولی اغلب، به صورت زیربنا و راهی برای گسترش مدارس ابتدایی درآمده است، که در واقع فلسفه اساسی و روش خاص آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان را مورد مسامحه و غفلت قرار داده است. متأسفانه، این موقعیت به مدارس ویژه روستایی محدود نمی‌شود، بلکه به طرز شدیدتری در مدارس کوچک‌تر روستایی و شهری نیز اشاعه و نفوذ پیدا کرده است. تبادل نظر با اداره‌کنندگان، دست‌اندرکاران، معلمان و کارکنان برنامه‌های آموزشی در دوره پیش از دبستان نشان می‌دهد که

1. approach

ابهامات و بدفهمیهای بسیاری در اهداف و روش‌شناسی این دوره از آموزشها وجود دارد. دیدگاه دیگر در این باره، تقاضای مداومی است که برای مطالب راهنما و منبع در این سطح وجود دارد.

کتاب *برنامه آموزش و پرورش در دوران پیش از دبستان* به‌ویژه برای تحقق این تقاضا و نیاز تدارک دیده شده است. این کتاب برای معلمان و نیز دست‌اندرکاران و اداره‌کنندگان برنامه‌های آموزش و پرورش دوره پیش از دبستان در نظر گرفته شده است. مطالب کتاب، یک برنامه رشد-محور و ویژه سنی را برای کودکان پیش از دبستان و بر حسب اهداف ویژه و فعالیتهای مرتبط شرح داده است. برنامه‌ای که در اینجا تشریح شده، از یک چهارچوب نظری دقیق نشئت گرفته و با موفقیت از طریق این بخش در طی چندین سال گذشته به اجرا درآمده است.

تدارک این برنامه مدیون کارگاه آموزشی است که یونیسف آن را در شهر آگرا در سال ۱۹۸۴ هندوستان برپا کرده بود. در این کارگاه آموزشی، کارشناسان بسیار برجسته و متخصصان آموزش و پرورش پیش از دبستان شرکت داشتند و نوشته‌ها و مطالبی را در زمینه برنامه‌های درسی پیش از دبستان^۱ ارائه کردند. این مطالب در سال ۱۹۹۰ به این بخش از طریق یونیسف ارسال گردید تا به صورت کتاب و سندی معتبر درآید. بسیاری از این کارشناسان، در کارگاه دیگری که از طریق این بخش در آوریل ۱۹۹۰ تشکیل گردید، شرکت کردند تا نوشته‌ها و مقالات ارائه شده را بازنگری و بررسی نمایند. ما بدین وسیله از کمکهای ارزنده آنها در هر دو مرحله قدردانی می‌کنیم و مراتب تشکر و سپاس خود را از پیشنهادها و نظرهای با ارزش آنان بیان می‌کنیم.

این مطالب توسط دکتر ونیتا کول، در این بخش تهیه شده است. وی زمان بسیار زیادی را صرف این کار نمود که از وی سپاسگزاریم. پروفیسور آرمورالیدهاران، سرپرست گروه آموزش و پرورش پیش از دبستان حمایت و راهنماییهای بسیار زیادی را در این کار متقبل شده‌اند که از ایشان نیز صمیمانه

قدردانی می‌کنیم. از خانم رومیلا بهات ناگار، از همکاران این بخش نیز که توضیحات جامعی درباره این کتاب داشته و خانم کاویتا آهوچا که در بازبینی همه مطالب کتاب همکاری نموده‌اند، سپاسگزاریم.

در پایان از یونیسف به دلیل حمایت‌های مالی در تهیه مراحل مختلف این کتاب نهایت قدردانی را داریم.

پی.ان. دیو

سرپرست بخش پیش از دبستان و آموزش و پرورش ابتدایی

شورای ملی آموزش و تحقیقات تربیتی

دهلی نو مارس ۱۹۹۱

مقدمه

بخش آموزش و پرورش و مراقبت از کودکان در دوران اولیه کودکی^۱ در هندوستان آموزش و پرورش و مراقبت در دوران پیش از دبستان، عموماً به عنوان مراقبت و آموزش و پرورش کودکان از تولد تا هشت سالگی تعریف شده است. این برنامه شامل موارد زیر است:

● برنامه‌های محرک اولیه در مهدکودکها و کودکانها و مراقبتهای خانگی برای کودکان زیر ۳ سال.

● برنامه‌های پیش‌دبستانی یا آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی برای کودکان ۳ تا ۶ ساله.

● برنامه‌های آموزش و پرورش سالهای اولیه دوران ابتدایی به عنوان بخشی از مدارس ابتدایی برای کودکان ۶ تا ۸ ساله.

در بخش آموزش و پرورش پیش‌دبستانی هندوستان، بر اساس آخرین مدارک و سیاستهای آموزش و پرورش ملی^۲ در سال ۱۹۸۶ و پیامدهای بعدی آن و گزارش کمیته‌ها در سال ۱۹۹۰، این نوع آموزشها به عنوان مراقبت و آموزش و پرورش کودکان از تولد تا شش سالگی تعریف شده است.

با توجه به اهمیت و حساسیت سالهای اولیه کودکی به عنوان دوره‌های سریع در رشد فیزیکی و ذهنی کودکان، سیاستها از چنان ماهیتی برخوردار شده‌اند که تأکید بسیار زیادی بر برنامه‌های مزبور دارند. این نوع برنامه‌ها «به عنوان داده‌هایی مهم در تدابیر رشد منابع انسانی، برنامه‌های تغذیه‌ای و حمایتی برای آموزش و پرورش ابتدایی^۳ و نیز به عنوان خدمات حمایتی برای زنان شاغل بخشهای محروم»

1. Early Childhood Care and Education (ECCE)

2. National Policy on Education (NPE)

3. primary education

مورد تأکید قرار گرفته‌اند. برنامه‌های جامع آموزش و پرورش و مراقبت کودکان در دوره پیش از دبستان که می‌توانند شامل عناصری چون بهداشت، تغذیه، آموزش و پرورش پیش از دبستان و محرکات اولیه شوند، به منظور اطمینان از رشد همه‌جانبه کودک مورد حمایت قرار گرفته‌اند. این نوع سیاستها، چنین تأکید می‌کنند که همه برنامه‌های فوق باید کودک-محور بوده و از رویکرد بازی و فعالیت بهره‌گیرند. این نوع برنامه‌ها همچنین خطر استفاده از روشهای رسمی در تدریس و معرفی دروس پایه (خواندن، نوشتن، حساب کردن) را در مراحل اولیه کاهش می‌دهند.

این نوشته معتبر یعنی «برنامه آموزش و پرورش در دوران پیش از دبستان» منحصراً بر برنامه‌های کودکان ۳ تا ۶ ساله تمرکز دارد (کودکانی که در مراکز پیش از دبستان هستند) و خط‌مشی پیشنهادی در سیاستهای ملی را دنبال می‌کند. اگرچه سن ورود به کلاس اول عموماً پنج تا شش سالگی است، تعداد قابل ملاحظه‌ای از کودکان حتی تا پایان شش سالگی در مراکز پیش از دبستان حضور پیدا می‌کنند. این روند به‌ویژه در سطوح روستایی، ایلی و مناطق فقیرنشین شهرها بیشتر صورت می‌گیرد. این برنامه‌ها، به‌ویژه برای این دسته از کودکان تدارک دیده شده و در عین حال هدفها و فعالیتهایی را نیز برای گروههای سنی بالاتر یعنی کودکان ۵ تا ۶ ساله، پیشنهاد کرده است.

این کتاب با در نظر گرفتن سیاستهای بخش آموزش و پرورش و مراقبت از کودکان این کشور تهیه شده است؛ به‌ویژه، در زمینه‌های مهم زیر که امروزه در هندوستان هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی موجودند، با برنامه‌های آموزش و پرورش پیش از دبستان، ارتباط دارند:

- خدمات یکپارچه‌سازی رشد کودک^۱.
- خدمات داوطلبانه و تحت حمایت دولت.
- کلاسهای مدارس پیش‌دبستانی که آن را مؤسسات تجارتي، دولتي، ایالتی و شرکتهای وابسته به شهرداری اداره می‌کنند.

● مراکز پیش دبستانی که با توجه به طرح کمک به سازمانهای داوطلب از سوی دولت اداره می‌شوند.

برنامه آموزش و پرورش پیش دبستانی: چهارچوب نظری

برنامه‌ای که در این کتاب ارائه گردیده، از نظر رویکرد، رشد-محور و کودک-محور است و تا حدود زیادی بر تعامل کودک با محیط و تجربه فعال و ارتباط با محیط تأکید دارد. اساس نظری کتاب از تجزیه و تحلیل اصول و عقاید بعضی پیشگامان برجسته در آموزش و پرورش پیش از دبستان و نیز بعضی روان‌شناسان و رهبران رشد کودک، نشئت گرفته است. این گونه اثرپذیرها در زیر به طور خلاصه مورد توجه قرار گرفته است:

فردریک فروبل (۱۷۸۲-۱۸۵۲). فروبل بنیان‌گذار «کودکستان» بوده است. وی به شدت بر این عقیده بود که مرحله پیش از دبستان، گامی اساسی در پلکان تجربه تربیتی است. پاره‌ای از دیدگاههای مهم او که در محتوا و روش‌شناسی برنامه‌های مزبور تأثیر بسزایی داشته‌اند، به قرار زیر می‌باشند:

- آموزش و پرورش با هدف شکوفا کردن رشد طبیعی کودکان صورت می‌گیرد؛ بنابراین، برنامه درسی در مرحله اولیه کودکی باید از نظر رویکرد، کودک-محور بوده، بر پایه طبیعت و علائق کودکان استوار باشد.

- هر کودک فردیت خاص خود را داراست که باید مورد احترام قرار گیرد. با وجود این، برنامه‌ها باید به صورتی نظام‌دار و سازمان‌یافته طراحی شوند تا پیشرفت گام به گام کودک را تضمین کنند.

- بنابراین، هر یک از برنامه‌های مذکور باید تعادل بین آزادی و ساختار را حفظ کند؛ یعنی این نوع برنامه‌ها باید تعادلی بین فرصتهای آزاد کودکان برای اینکه خودشان باشند و به روشی مستقل رشد کنند، و برنامه‌ای سازمان‌یافته که متضمن یادگیری و کسب مهارتهای ضروری، دانش و ارزشهاست به طریقی سازمان‌یافته و نظام‌دار، برقرار کند.

- بازی، که تمایل طبیعی کودک می‌باشد، اساسی‌ترین پایه برای رشد کودک محسوب می‌شود. بنابراین، بازی وسیله‌ای برای ارائه پیام آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان است. قسمتی از برنامه روزانه کودکان در دوره پیش از دبستان باید به روشی سپری شود که کودکان در بازیهای آزاد شرکت کنند و بقیه ساعات را نیز در فعالیتهای سازمان‌یافته و هدایت شده سپری کنند.

ماریا مونته‌سوری (۱۸۷۰-۱۹۵۲). روش مونته‌سوری بر طرح‌ریزی برنامه‌های آموزش و پرورش دوران اولیه کودک تأثیر بسزایی داشته است. مونته‌سوری از نظامی آموزشی حمایت می‌کرد که بتواند برای کودک محیطی فراهم آورد تا با سرعت خود رشد کند. بعضی دیدگاههای مهم مونته‌سوری که در روش وی نیز منعکس شده، در زیر آمده است:

- پرورش کودکان خردسال، اساساً روند شکوفا کردن تواناییهای ذاتی کودک برای یادگیری و کسب دانش است.

- هر گونه کوشش در آموزش و پرورش کودکان باید بر اساس تمایل و خواسته طبیعی کودک برای یادگیری باشد. بنابراین، مونته‌سوری کودکان را به‌دقت مورد مشاهده قرار می‌داد و بر این اساس انواع تجربیاتی را که متناسب با علایق و نیازهای کودک بود، تعیین می‌کرد و محیط کلاس درس را نیز مطابق با آن تدارک می‌دید.

- خودفعالی^۱ کودک به یادگیری بهتر و دایمی‌تر منجر می‌شود. یک بزرگسال و یا معلم باید خود را در ارتباط با محیط یادگیری کودک قرار دهد. وظیفه او آماده کردن محیط «یادگیری» به روشی سازمان‌یافته و منظم و مجهز به مواد و وسایل مناسب است و تنها کار او هدایت و راهنمایی کودک در چنین محیطی است. مواد و وسایل آموزشی باید ترجیحاً خوداصلاحی باشند که کودک بتواند بازخورد فوری بازده و عملکرد خود را به دست آورد و به کوششهای خود در یادگیری، ادامه دهد.

1. self activity

- کودک، دانش درباره محیط را اساساً از طریق حواس خود کسب می‌کند. بنابراین، تربیت هر یک از حواس پنج‌گانه برای کودکان ضروری است. مונته‌سوری برای انجام مؤثر این کار، وسایل آموزشی ویژه و رویه‌هایی را ابداع کرد که جداگانه به تحریک و برانگیختن هر یک از حواس پنج‌گانه کمک می‌کرد.

- تمرین و کسب تجربه در زندگی عملی باید بخشی ضروری از برنامه‌های دوره پیش از دبستان باشد. هدف این‌گونه فعالیتها، کمک به کودک است تا بتواند فردی مؤثر و متکی به نفس بارآید. فعالیت‌هایی برای آمادگی کودک به منظور نوشتن، خواندن و حساب کردن نیز باید در برنامه در نظر گرفته شود؛ زیرا این نوع آمادگی زمینه مناسبی برای آموزشهای مدرسه‌ای در سنین بالاتر فراهم می‌کند.

راشل و مارگارت مک‌میلان (۱۸۶۰-۱۹۳۱). خواهران مک‌میلان اولین مهدکودک را در لندن در سال ۱۹۱۱ تأسیس کردند. برنامه مهدکودک آنها از نظر ماهیت پیشرفته و حمایت‌کننده بود. زمینه‌های مهم مورد تأکید در برنامه‌های آنها به قرار زیر بود:

- برای خلاقیت و بازی در برنامه مهدکودکها باید ارزش والایی قایل شد. تخیلات در کودکان خردسال به طور طبیعی رشد می‌یابند و در صورت شکوفایی به رشد و پرورش همه‌جانبه کودکان کمک می‌کنند. خلاقیت در کودکان باید از طریق تدارک فعالیت‌های بیانی، بازی، هنر و حرکات مختلف پرورش یابد.

- همچنین برنامه‌های مهدکودک، باید شامل رشد مهارتها برای مراقبت شخصی، یادگیری حرکتی ادراکی و فعالیت‌های آمادگی تحصیلی باشد.

آرنولد گزل (۱۸۸۰-۱۹۶۱). گزل رشد رفتار حرکتی، زبان، تواناییهای بینایی، رفتار سازشی و روابط شخصی و اجتماعی را در کودکان مطالعه کرد. وی نقش بسیار حساس رسش یا پختگی^۱ را در همه جهات رشد کودکان مورد تأکید قرار داد. کاربرد مهم تلاشهای او در آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی، نیاز به مورد توجه قرار دادن «آمادگی رسی»^۲ کودک است. به عقیده وی در این صورت

1. maturation

2. maturational readiness

است که طراحی و اجرای هر برنامه تربیتی برای کودکان امکان‌پذیر می‌شود.

ژان پیاژه. کارهای پیاژه در برنامه‌ریزی درسی برای دوران اولیه کودکی تأثیر بسزایی داشته است. پاره‌ای از زمینه‌های مهم نظریه رشدشناختی پیاژه که کاربرد ارزنده‌ای در آموزش و پرورش دوره کودکی داشته است، در زیر آمده است:

- یادگیری کودکان خردسال از نظر کیفی نسبت به کودکان سنین بالاتر و بزرگ‌ترها متفاوت است. آنها از طریق مواجهه مستقیم با محیط، به مراتب بیشتر از آموزش رسمی که شامل قوانین و اصول نمادین^۱ و انتزاعی^۲ است، یاد می‌گیرند.

- کودکان از نظر رشدشناختی مراحل مختلفی را طی می‌کنند. بسیاری از کودکان در گروه سنی سه تا شش سال در مرحله پیش‌عملیاتی^۳ هستند و هنوز توانایی تفکر منطقی را کسب نکرده‌اند و یا نمی‌توانند به روش انتزاعی درباره دنیا و محیط پیرامون خود فکر کنند. تفکر آنها شهودی^۴ و با ادراک شخصی هدایت می‌شود. آنها می‌توانند در هر زمان فقط بر یکی از ویژگیهای شیء تمرکز کنند. این وضعیت، درک و شناخت آنها را محدود می‌سازد. بنابراین، هدف اساسی در مرحله آموزش و پرورش کودکی باید کمک به شکل‌گیری مفاهیم اساسی در کودکان باشد تا آنها را به سوی استدلال منطقی^۵ هدایت کند.

- از آنجا که کودکان از طریق تجربه فعال، به بهترین وجه یاد می‌گیرند، بازی و فعالیت باید روش آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی قرار گیرد. تأکید اساسی در این نوع برنامه‌ها باید بر فراهم آوردن تجربه‌های دست‌اول با اشیاء برای کودکان باشد و آنها را تشویق کند تا اشیاء محیط را ببینند. توصیف کنند و با آنها دست‌ورزی^۶ کرده، به آزمایش بپردازند تا بتوانند مفاهیم صحیح و روشنی را به دست آورند.

- هر چه تجربه‌های کودک و تعامل او با محیط متنوع‌تر باشد، وضوح و

-
1. symbolic
 2. abstract
 3. preoperational
 4. intuitive
 5. logical reasoning
 6. manipulate

میزان مفاهیمی که در او پرورش می‌یابد، بیشتر و وسیع‌تر خواهد بود. این گونه مفاهیم، شناخت وی را نسبت به محیط افزایش می‌دهد و او را برای تفکر منطقی بهتر، مجهز می‌کند.

- فرصتهایی نیز باید برای کودکان فراهم شود تا با دیگران به تعامل پردازند و از این راه کسب تجربه کنند.

- با تأکید بر رشد روندشناختی، پیازه عقیده داشت که تجربه‌های شناختی که برای کودکان طراحی می‌شود، باید بر حسب این سطوح مهم چهارگانه سازماندهی گردد: دانش فیزیکی^۱، دانش ریاضی - منطقی^۲، دانش اجتماعی^۳، و بازنمایی^۴. این سطوح چهارگانه، کاربرد ویژه‌ای در طراحی برنامه‌های درسی دوره اولیه کودکی دارد.

دانش فیزیکی، به خصوصیات قابل مشاهده اشیاء و پدیده‌های فیزیکی اطلاق می‌شود. شیوه عمل چنین است که به کودک فرصتهایی داده می‌شود تا با اشیاء محیط خود کار کند و واکنش اعمال خود را بر آنها ببیند، یعنی دست‌ورزی، مشاهده و تجربه کند. این اعمال به کودک، کمک می‌کند تا خصوصیات فیزیکی اشیاء مختلف را شخصاً کشف کند.

دانش ریاضی - منطقی شامل موارد زیر است:

۱. رشد توانایی کودکان در پیدا کردن شباهتها و تفاوت‌های بین اشیاء، طبقه‌بندی یا دسته‌بندی کردن آنها مطابق با ویژگیهای مربوط است.
۲. رشد توانایی برای مرتب کردن یا قرار دادن اشیاء به ترتیب و متناسب با یک اندازه می‌باشد، برای مثال اشیاء را از بزرگ‌ترین یا کوچک‌ترین، به ترتیب قرار دهد.

۳. رشد مفهوم عدد و مقدار.

دانش اجتماعی به رشد دانش درباره انتظارات اجتماعی، رفتار و نقش‌های

1. physical knowledge
2. logico-mathematical
3. social knowledge
4. representation

مختلف اطلاق می‌گردد. این نوع دانش شامل شکل‌گیری عادات و رشد رفتار موافق اجتماعی در کودکان می‌باشد.

بازنمایی، شامل فراهم آوردن فرصتها، به منظور رشد توانایی کودکان در ارائه یا ابراز عقاید خود یا کسب تجربه‌ها از راه فعالیتهای نمایشی، حرکات خلاق، فعالیتهای هنری خلاق و زبان یا ارتباط کلامی است.

ام. کی. گاندی (۱۸۶۹-۱۹۴۸). گاندی در نظام آموزش و پرورش پیش از اساس^۱ خود نیز به اهمیت کودک به عنوان عنصری اساسی در آموزش توجه داشته است. او عقیده داشت که آموزش و پرورش باید کودک-محور و متمرکز بر کودک باشد. او به رشد یکپارچه و هماهنگ کودک تأکید می‌ورزید. گاندی می‌گفت: «منظور من از آموزش و پرورش، شکوفا کردن همه قابلیت‌ها به بهترین وجه در کودک، جسم، ذهن و روح انسان است». گاندی مخالف تلنبار کردن ذهن کودک با دانش رسمی و انتزاعی بود که از طریق برنامه‌های نظری و صرفاً تحصیلی به آنها تحمیل می‌شد. وی پیشنهاد می‌کرد که انگیزه خلاق کودک باید از راه فعالیتهای خلاق و در عین حال سازنده در مسیر مناسب قرار گرفته، آشکار گردد. گاندی «یادگیری از طریق عمل کردن» را مورد تأکید قرار می‌داد و آموزش و پرورش را از طریق فعالیتهای سازنده و مفید مؤثر می‌دانست. گاندی به معلم نیز اهمیت می‌داد و از کودکان انتظار داشت از معلم و حضور او الهام و بهره گیرند.

همان‌گونه که در آموزش و پرورش پیش از اساس وی آشکار است، عقیده داشت که محیط خانه، نخستین مرکز برای تربیت و یادگیری کودک است. بنابراین، نباید هیچ‌گونه تناقضی بین تأثیر خانه و مدرسه وجود داشته باشد؛ زیرا در آن صورت در ذهن کودک ایجاد تضاد می‌کند و تأثیر نامناسبی بر ذهن او باقی می‌گذارد. نیاز به رابطه نزدیک والدین با مدرسه به صورت امری اجباری مورد نظر وی قرار گرفته است، و آموزش والدین را مؤکداً توصیه می‌کرد.

برنامه آموزش و پرورش در دوران پیش از دبستان: اهداف کلی

برنامه فوق که در این کتاب شرح داده شد، این گونه عقاید و دیدگاههای نظری و پرورشی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در عین حال که این نوع تحلیل، اساس برنامه‌های این دوره را تشکیل می‌دهد، با نیازها و خواسته‌های وضعیت و موقعیت کودکان هندی نیز تناسب دارد. اهداف گسترده این برنامه‌ها همان گونه که در گزارش کمیته آموزش و پرورش آمده است، به شرح زیر می‌باشند:

- پرورش سلامت جسمی، هماهنگی ماهیچه‌ای مناسب و مهارت‌های حرکتی اساسی در کودک.
- پرورش عادات بهداشتی سالم و تشکیل مهارت‌های پایه لازم به منظور سازگاری شخصی کودک، مانند لباس پوشیدن و درآوردن، خوردن، شستن، نظافت و غیره.
- پرورش آداب و نگرشهای اجتماعی مطلوب، به منظور تشویق در مشارکت گروهی سالم و حساس کردن کودک به حقوق و امتیازات دیگران.
- پرورش پختگی عاطفی از طریق راهنمایی کودک به بیان و ابراز خود، شناخت، پذیرش و کنترل احساسات و عواطف شخصی.
- تقویت درک زیباییها در کودک.
- برانگیختن کنجکاوی ذهنی کودک و کمک کردن به او در درک دنیایی که در آن زندگی می‌کند و شکوفا کردن علایق تازه در او از طریق فراهم آوردن فرصتها برای پژوهش، جستجو و کسب تجربه.
- تشویق کودک به استقلال و خلاقیت از طریق فراهم کردن فرصتهای کافی برای ابراز خود.
- پرورش توانایی کودک برای بیان احساسات و افکار به زبانی روان، واضح و صحیح.

پاره‌ای از فرضیه‌های اساسی در برنامه‌های آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی

۱. رشد نتیجه عمل یادگیری و رسش است. صرف نظر از حدی که کودکان از محرکات محیطی بهره‌مند می‌شوند، یادگیری تنها زمانی در آنها صورت می‌پذیرد که از نظر رشدی آمادگی لازم را پیدا کنند. از طرف دیگر، اگر محیط فرصت‌های یادگیری را محدود کند، کودکان قادر به درک قابلیت‌های خود نخواهند بود. بنابراین، در برنامه‌های آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، آمادگی‌های رشدی کودک و نیز سطح تجربی او مورد نظر قرار می‌گیرد.
۲. کودکان از نظر تواناییها، علایق و نیازهایشان با یکدیگر متفاوت‌اند و به روش و میزان متفاوتی نیز رشد می‌یابند. با وجود این، روند رشد دوره‌های یکسانی را دنبال می‌کند و هر کودک به طور طبیعی همه سطوح اساسی رشد را طی می‌کند. تفاوت‌های کودکان ممکن است بر اساس عوامل متعددی همچون عوامل ارثی، شرایط اقتصادی - اجتماعی، تفاوت‌های شهری-روستایی، کیفیت مدرسه یا فقدان آن، آداب و سنن و غیره صورت گیرد. برای مثال، شواهد تحقیقی در مورد کودکان هندی در گروه سنی ۲/۵ تا ۵ ساله نشان می‌دهد که کودکان شهری در مقایسه با کودکان روستایی و مناطق صنعتی رشد سریع‌تری دارند (شورای ملی آموزش و تحقیقات تربیتی^۱، ۱۹۷۴). در حالی که برنامه آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی، فعالیتها و اهداف گروه‌های مختلف سنی را ترسیم می‌کند، نباید به‌شدت و کورکورانه پیروی شوند. عامل راهنما در این باره باید سطح تجربی و رسشی کودک باشد.
۳. در گروه‌های متجانس سنی کودکان نیز ممکن است تفاوت‌های فردی وجود داشته باشد. شخصیت منحصر به فرد هر کودک باید شناخته شود. حقوق هر کودک متناسب با الگوی یادگیری خاص وی نیز باید شناخته شود.
۴. کودکان به طور ذاتی کنجکاو هستند و برای یادگیری درباره دنیای پیرامون خود انگیزه فراوانی دارند. با وجود این، انگیزه یادگیری ممکن است از طریق محیط محدود یا عدم امنیت عاطفی و یا فشارهای روانی تخریب شود.

۵. یادگیری کودکان خردسال به هنگام مشغول شدن در روند تعاملی افزایش می‌یابد. آنها مطالب بسیار زیادی را از نظر شناختی و اجتماعی در جریان تعامل با یکدیگر، با بزرگ‌ترها و در زمینه‌های مختلف محیطی خود کسب می‌کنند.
۶. دوران اولیه کودکی، دوره‌ای حساس برای رشد شایستگی‌های ارتباطی کودکان است؛ یعنی شایستگی در ابراز خود و شناخت و درک دیگران. همه اعمال اساسی مربوط به زبان، زمانی که کودکان در گفتگوهای فعال مشغول می‌شوند، به مراتب بیشتر از زمانی که به طور غیرفعال با زبان و گفتار مواجه می‌شوند، تقویت می‌گردد.
۷. کودکان نه تنها از طریق یادگیری شفاهی، بلکه از طریق پژوهش فعال و دست‌ورزی در محیط خود رشد می‌کنند. بنابراین، بازی و فعالیت بهترین راه یادگیری کودکان محسوب می‌شود.

درباره این کتاب

این کتاب از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول شامل بررسی کلی برنامه آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی است و همه جهات این نوع برنامه‌ها را تشریح می‌کند. بخش دوم «هدفهای آموزشی و پرورشی» را در هر زمینه از رشد کودکان گروههای سنی مختلف این دوره به تفصیل شرح می‌دهد و فعالیتهای مربوط به آن را به صورتی که در هر مرکز آموزشی و پرورشی این دوره قابل اجراست، توصیف می‌کند. هدفهای آموزشی و پرورشی متناسب با تواناییهای کودکان معمولی و حد متوسط می‌باشد و مطابق با معیارهای تهیه شده شورای ملی آموزش و تحقیقات تربیتی است.

با اینکه فعالیتهای و اهداف بر حسب گروههای سنی متفاوت فراهم آمده است، ولی اغلب، معلم و یا مربی مجبور است گروههای سنی مختلف را با یکدیگر در یک کلاس داشته باشد. در چنین موقعیتهایی، همان‌گونه که در نوشته‌های بعدی نیز نشان داده می‌شود، باید به تدابیر مربوط به «گروههای کوچک» به منظور ارتباط مؤثر، متوسل شد.